

ارزیابی دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی در آموزش عالی با رویکرد تحلیل محتوا

Evaluation of Two Quarterly Curriculum Studies in Higher Education with a Content Analysis Approach

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۷/۹، تاریخ ارزیابی: ۱۳۹۹/۸/۲۶، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۰/۲

 [20.1001.1.25382241.1399.11.22.5.6](https://doi.org/10.25382/41.1399.11.22.5.6)

Dr. Marzban Adibmanesh

Abstract: The aim of this study was to evaluate two quarterly curriculum studies in higher education through a content analysis approach. The size of the population in this study is equal to the sample size. For this purpose, the articles published in the study journal during 10 years (2010 to 2020), including 155 articles which were selected as the corpus of the study. The research method in this study is content analysis. The tools used in this study included a coding checklist whose validity was assessed by several curriculum instructors. Fishing tools were used to collect information and quantitative and qualitative content analysis was used to analyze the data. The results of the research in the methodological section indicate that the qualitative approach is dominant. In the thematic section, topics related to education, teaching and learning in higher education with 19.35 and critical thinking with 0.64 percent, had the highest and lowest frequency, respectively. Among universities and educational institutions, the University of Tehran with 53 authors has the highest frequency among organizational affiliations. Finally, in the section related to authors' participation in writing articles, the participation of two authors with 30.32% and 5 authors' articles with 6.45% had the highest and lowest frequencies, respectively.

Keywords: content analysis, curriculum, journals of curriculum studies, higher education

دکتر مرزبان ادیب منش^۱

چکیده: پژوهش حاضر با هدف ارزیابی دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی در آموزش عالی با رویکرد تحلیل محتوا انجام شده است. حجم جامعه در این مطالعه، با حجم نمونه برابر است. به این منظور کل مقالات چاپ شده در نشریه مورد مطالعه در طول ۱۰ سال (۱۳۸۹ تا سال ۱۳۹۹) که شامل ۱۵۵ مقاله بودند، به عنوان جامعه تحلیلی پژوهش انتخاب شدند. روش تحقیق در این مطالعه تحلیل محتوا است. ابزار مورد استفاده در این تحقیق شامل یک چک لیست کدگذاری بود که روایی آن توسط چند تن از اساتید برنامه درسی سنجیده شد. برای جمع آوری اطلاعات از ابزار فیش برداری و برای تحلیل داده ها از تحلیل محتوای کمی و کیفی استفاده شده است. نتایج پژوهش در بخش روش شناسی حاکی از غالب بودن رویکرد کیفی است. در بخش مربوط به موضوع شناسی، موضوع های مرتبط با آموزش، تدریس و یادگیری در آموزش عالی با ۱۹/۳۵ و تفکر انتقادی با ۰/۶۴ درصد، به ترتیب از بیشترین و کمترین فراوانی برخوردار بودند. در بین دانشگاه ها و موسسات آموزشی، دانشگاه تهران با ۵۳ نویسنده بیشترین فراوانی را در بین وابستگی های سازمانی به خود اختصاص داده است. و بالاخره در بخش مربوط به مشارکت نویسندگان در تالیف مقالات، مشارکت دو نویسنده با ۳۰/۳۲ درصد و مقالات ۵ نویسنده ای با ۶/۴۵ درصد به ترتیب از بیشترین و کمترین فراوانی برخوردارند.

کلمات کلیدی: تحلیل محتوا، برنامه درسی، دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی، آموزش عالی.

^۱ استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان، ایران. marzbanadib@yahoo.com

مقدمه

برنامه درسی به عنوان یکی از مهمترین عناصر نظام آموزشی، نقش تعیین کننده و انکارناپذیری در تحقق اهداف و رسالت های آموزشی از نظر کمی و کیفی دارد (نادرز، ۲۰۰۹). به دلیل چنین اهمیتی، زمینه های فراوانی برای انجام پژوهش های متعدد در زمینه برنامه های درسی وجود دارد. مضافا اینکه رشته برنامه درسی و پژوهش های مرتبط با آن به سرعت در حال رشد و توسعه می باشد. در این شرایط، تولید چاپ مقاله در مجلات علمی پژوهشی به عنوان یکی از مهم ترین مهارت ها و شاخصه های تحقیق و توسعه و رسانه پذیرفته شده برای انتقال نتایج پژوهش، محسوب می شوند (صالحی و امیری، ۱۳۸۵، ص ۱۴۲).

در واقع مجلات علمی پژوهشی به عنوان یکی از مجاری برقراری ارتباطات علمی میان دست اندکاران فعالیت های علمی محسوب می شوند (ابراهیمی میلاجردی و ریاحی نیا، ۱۳۹۳، ص ۴۲۴). موضوع حیاتی در فرایند ارتباطات علمی، به میزان فعال بودن مجلات علمی پژوهشی در نشر، تولید و تبادل سریع دانش مربوط و روش مند بودن ارائه مطالب آن است (جانسون، ۲۰۰۸). به عبارت دیگر نشریات علمی-پژوهشی، مجرای رسمی نشر اطلاعات مراکز علمی و حرفه ای هستند. از این رو میزان تولید و کیفیت نشریات و نیز استفاده هر جامعه از این منابع یکی از شاخص های رشد علمی و فرهنگی آن جامعه محسوب می شود (علیپور و همکاران، ۱۳۹۷).

در این راستا، بررسی دقیق مقاله های چاپ شده در مجله های علمی-پژوهشی از ابعاد مختلف، یکی از مهم ترین راه ها برای ارتقای کمی و کیفی پژوهش ها و به تبع آن، موجب رشد علمی و تخصصی و توجه به موضوع های اولویت دار پژوهشی می باشد. این موضوع نه تنها به فهم دقیق روند چاپ مقالات در مجله های علمی پژوهشی کمک می نماید، بلکه زمینه ای جهت برنامه ریزی برای پیشرفت های بعدی آن مجله می باشد (جاوید، ۲۰۰۷).

مضافا اینکه در مقایسه با سایر حوزه ها، رشته ها و مطالعات تخصصی، سابقه پژوهش در حوزه نظام آموزش عالی ایران به صورت نظام مند و در قالب یک رشته علمی و مطالعاتی و انتشار نتایج آن در مجله های تخصصی، نوپا بوده و نیازمند تقویت و قوام بخشی بیشتری است (نصراللهی نیا و همکاران، ۱۳۹۷). بررسی ها نشان می دهد مجله های تخصصی که در این حوزه منتشر می شود، محدود است، در این بین، یکی از نشریاتی که اقدام به چاپ مقالات در این

1- Nudzor

2- Johnson

3. Jawaid

ارزیابی دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی در آموزش عالی...

حوزه می کند، دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی در آموزش عالی است، این نشریه از سال ۱۳۸۹ براساس اهداف و مأموریت هایش بمنظور پرداختن به مسائل و چالش های برنامه درسی در محیط آموزش عالی و در راستای تفکر و عمل تخصصی در برنامه درسی و گذر از دوران ارایه پاسخ های یکسان به سئوالات برخاسته از محیط های مختلف برنامه درسی و رسیدن به دوران تلاش های سازمان یافته در بستر آموزش عالی، به همت جمعی از متخصصان برنامه درسی و آموزش عالی با حمایت انجمن مطالعات برنامه درسی ایران متولد شده است تا ضمن انتشار آثار و تلاش های صاحب نظران و پژوهشگران در زمینه برنامه درسی در آموزش عالی، بنیاد نظری و رویه های عملی در این حیطه را توسعه دهد و بیش از پیش بر طرح پرسش ها و تدارک پاسخ های تخصصی در این زمینه نوپا دامن زند. لذا بعد از گذشت ده سال از فعالیت این نشریه ضرورت دارد تا ارزیابی دقیقی از مقالات چاپ شده در این نشریه صورت گیرد. انجام این پژوهش از این جهت حایز اهمیت است که می توان از طریق آن، جهت گیری ها، اولویت ها و نیازهای پژوهشی آینده مجله را مشخص کرد که این امر به تبع منجر به برنامه ریزی صحیح مسئولان برای بر طرف کردن کاستی ها و پیشرفت و بهبود کیفی این نشریه می شود. همچنین انجام پژوهش حاضر، به فراهم آوردن زمینه مناسب برای تبادل نظر و تضارب آرای متفکران و محققان این رشته، و بسترسازی برای تولید علم و اندیشه و نظریه پردازی در این زمینه و آماده کردن زمینه مناسب برای توجه به موضوعات اولویت دار و رشد و ارتقای هر چه بیشتر حوزه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی کمک می کند.

با این اوصاف، از روش های مختلفی برای ارزیابی مجلات علمی می توان استفاده کرد. روش تحلیل استنادی و تحلیل محتوایی از نمونه های این روش ها هستند. تحلیل محتوا، پژوهشی پیام محور است و با سنجش و اندازه گیری ویژگی های محتوا همراه است (محمدی فر، ۱۳۸۷، ص ۲۷). برای این منظور در این پژوهش از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. روش تحلیل محتوا تصویری عینی از شرایط موجود و وضعیت انعکاس تحقیقات در دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی در آموزش عالی را ارائه می دهد. همچنین نشان دهنده ملاحظات روش شناسی، گرایش های موضوعی، مشارکت دانشگاه ها در تالیف مقالات، مشارکت نویسندگان در تالیف مقالات و کمبودهای احتمالی موجود در مقالات این نشریه است.

به هر حال، محقق با تحلیل محتوای دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی در آموزش عالی در تلاش است با گردآوری و تحلیل اطلاعات مقالات، افقی را پیش روی دست اندازکاران مجله باز کند. البته این امر محدود به این مجله نیست، بلکه تحقیقات گوناگونی در خصوص نشریه های دیگر نیز انجام شده است که در ادامه به برخی از آن اشاره می شود.

سراجی و آرمند(۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان: بررسی وضع پژوهش های انجام شده در حوزه برنامه درسی در ایران: شناسایی فاصله بین وضع موجود و مطلوب" نشان دادند که پژوهش های انجام شده در ایران غالباً به بررسی موضوعات و قلمروهای سنتی رشته برنامه ریزی درسی تاکید داشته و به برداشت ها یا قلمروهای جدید آن پرداخته نشده است. هم چنین نتیجه نظر سنجی از متخصصان و مقایسه آن با وضع موجود نشان می دهد، پژوهشگران برنامه ریزی درسی در ایران باید به زمینه ها و قلمروهای جدید مانند: اعتبار بخشی برنامه درسی، برنامه درسی و هوش های جداگانه و برنامه درسی در شرایط پست مدرن، تلفیق در برنامه درسی و... بیشتر توجه کنند.

رضایت(۱۳۹۴) در تحلیل محتوایی و استنادی مقاله های چاپ شده در فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ضمن بررسی ۸۱ مقاله چاپ شده در ۱۳ شماره از این نشریه دریافت که بیشترین گرایش موضوعی مقاله ها به مبانی و اصول تعلیم و تربیت اختصاص دارد. ۷۳ درصد از مقاله ها به صورت گروهی تولید شده است. ۵۲ درصد نویسندگان مجله را مردان و بیشترین سطح تحصیلات نویسندگان را مقطع تحصیلی دکتری با ۵۶ درصد تشکیل می دهد. ۷۸ درصد از پژوهش ها از نوع کیفی بوده، ۶۷ درصد از مقالات به روش توصیفی- تحلیلی انجام شده است.

ادیب منش و نصراصفهان(۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان"ملاحظات روش شناختی پژوهش در حیطه برنامه درسی در ایران و آمریکا" انجام دادند، نتایج پژوهش نشان داد که در پژوهش های داخلی برنامه درسی، رویکرد کمی و در پژوهش های خارجی، رویکرد کیفی غالب است. همچنین، روند پژوهش های برنامه درسی در ایران و آمریکا از کمی به کیفی و ترکیبی سیر کرده است و این روند در آمریکا وضوح بیشتری داشته است.

رحمان پور و نصر اصفهانی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان "روش شناسی پژوهش های داخلی و خارجی مربوط به حوزه برنامه درسی در آموزش عالی" به این نتایج دست یافتند: در پژوهش های خارجی برنامه درسی رویکرد کیفی، رویکرد غالب بود به طوری که ۶۰ درصد پژوهش ها مبتنی بر رویکرد مزبور بود. در این میان پژوهش های موردی و پدیدارشناسی به ترتیب با ۵۰ درصد و ۳۷/۵ درصد دارای بیشترین کاربرد در میان پژوهشگران بود. همچنین نتایج پژوهش حکایت از آن داشت که در ایران رویکرد کمی، رویکرد غالب پژوهشی با ۵۰ درصد فراوانی بود. در این میان روش پژوهش پیمایشی با فراوانی ۸۵/۸ درصد پرکاربردترین روش بود. همچنین این پژوهش نشان می دهد که روند پژوهش ها در تحقیقات داخلی و خارجی حاکی از روند کمی به سوی کیفی و ترکیبی است. البته این روند در تحقیقات خارجی فراوان تر بود.

ارزیابی دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی در آموزش عالی...

علیپور و همکاران (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان تحلیل محتوایی و استنادی مقالات فصلنامه روانشناسی تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی انجام دادند. یافته ها نشان داد از نظر وابستگی نویسندگان به دانشگاه ها، دانشگاه علامه با ۳۶ درصد در رتبه اول قرار داشت. بیشترین روش تحقیق مورد استفاده، روش نیمه تجربی و همبستگی بود. از لحاظ تعداد نویسندگان، مقالات با ۳ نویسنده، بیشترین فراوانی را به خود اختصاص دادند. همچنین ۷۱ درصد نویسندگان مقالات را مردان تشکیل می دادند.

نصراللهی نیا و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان: تحلیل محتوای نظاممند پژوهش های حوزه آموزش عالی ایران، *نامه آموزش عالی*، مورد مطالعه (*نامه آموزش عالی*) به این نتایج دست یافتند: بیشتر روشهای پژوهش مورد استفاده، از نوع کمی و بیشتر ابزارگردآوری داده ها نیز پرسشنامه بوده است؛ بیشتر پژوهش ها را پژوهشگران به طور مستقل اجرا کرده بودند؛ در مورد نویسندگان نیز جایگاه و میزان مقاله های تک مؤلفی پایین بوده و عمده مقاله ها به صورت گروهی نوشته شده اند. همچنین، نویسندگانی که عضو هیئت تحریریه فصلنامه نیستند، بیشترین سهم را در نوشتن مقاله ها داشته اند؛ علاوه بر این، بیشترین سطح تحصیلات نویسندگان مقاله ها دکتری و مرتبه علمی بیشتر نویسندگان استادیار بوده است.

ولیچ و گودوین (۲۰۰۸) در پژوهشی با عنوان " نوآوری در روش های پژوهش کیفی، یک مطالعه روایی،" نتیجه گرفتند که اگرچه در سنت برنامه درسی بیشتر تحقیقات انجام شده از نوع کمی بوده اند. با این وجود، پژوهش های کیفی جایگاه واقعی خود را پیدا کرده اند و محققان و پژوهشگران در سال های اخیر بیشتر به طرف پژوهش های کیفی تمایل داشته اند.

آندرسون^۱ و شاتوک^۲ (۲۰۱۲) تحقیقی با عنوان " روش شناسی طرح های تحقیقی در حوزه آموزش " انجام دادند. آن ها از ۴۷ مقاله مرتبط از سال ۲۰۰۲ تا سال ۲۰۱۱ نمونه گیری کردند که ۱۳٪ آن مربوط به آموزش عالی، ۱۸٪ مربوط به دوره اول متوسطه، ۲۷٪ مربوط به دوره های کودکان تا سال دوازدهم، ۱۶٪ مربوط به مدارس ابتدایی و ۲۶٪ مربوط به دوره دوم متوسطه بود. نتیجه آن ها حکایت از آن داشت که ۶۰٪ تحقیقات با روش کمی، ۳۴٪ با روش کیفی و ۶٪ نیز با روش ترکیبی بود.

با توجه به شرایط فوق الذکر و با عنایت به فعالیت ده ساله دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی در آموزش عالی، مقاله حاضر در نظر دارد، مقاله های انجام شده در مطالعات برنامه درسی

24. Anderson

25. Shattuck

در آموزش عالی را از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار دهد و مشخص سازد پژوهشگران این حوزه در ده سال انجام فعالیت این دو فصلنامه، در پژوهش های خود به چه موضوع های بیشتر توجه دارند، از چه روش های در پژوهش ها بهره می برند، میزان مشارکت نویسندگان و در نهایت سهم دانشگاه ها و موسسات آموزشی در تدوین مقالات چگونه است، تا خلاها و کاستی های پژوهشی حوزه برنامه درسی را از جهات مختلف نشان دهد و موضوع های دارای اهمیت و اولویت در حوزه برنامه درسی مشخص شود. به نظر می رسد نتایج این تحقیق می تواند برای انجمن مطالعات برنامه درسی، مدیر و سردبیر، اعضای هیات تحریریه و افرادی که به نوعی با نشریه مرتبط باشند، بازخوردی ارزشمند در جهت افزایش کیفیت مقالات در آینده فراهم آورد. در اینصورت می توان با برجسته نمودن کمبودها و نیازها، پیشنهادهای را در جهت برنامه ریزیها و اقدامات آتی ارائه نمود. خلاصه اینکه، این نشریه برای بقا و پیشرفت نیاز به بررسی و ارزیابی دارد، از این رو، پژوهش حاضر در صدد است با استفاده از شیوه تحلیل محتوا نشان دهد که وضعیت مقالات منتشر شده در نشریه مطالعات برنامه درسی در آموزش عالی در ده سال فعالیت این نشریه، از نظر روش شناسی، موضوعی، وابستگی سازمانی، میزان همکاری علمی نگارندگان آنها چگونه بوده است؟

سوال های پژوهش

هدف اصلی از انجام این تحقیق، تحلیل محتوای مقالات منتشر شده در دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی در آموزش عالی در سال های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۹ است. پژوهش حاضر برای رسیدن به هدف اصلی، قصد دارد به پرسش های زیر پاسخ دهد.

۱- ملاحظات روش شناسی پژوهش های انجام شده در دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی در آموزش عالی به چه صورت است؟

۲- توزیع موضوعی پژوهش های انجام شده در دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی در آموزش عالی به چه صورت است؟

۳- توزیع فراوانی وابستگی سازمانی نگارندگان پژوهش های انجام شده در دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی در آموزش عالی به چه صورت است؟

۴- توزیع فراوانی میزان همکاری علمی نگارندگان پژوهش های انجام شده در دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی در آموزش عالی به چه صورت است؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر، توصیفی و به لحاظ هدف از نوع تحقیقات کاربردی است که با استفاده از روش تحلیل محتوا^۱ انجام شده است. تحلیل محتوا، در صدد عینیت بخشیدن، کمی کردن و سنجش پذیری پیام‌ها از طریق نمادهای مشخص است (کرپیندورف، ترجمه ناییبی، ۱۳۹۰). از این روش غالباً در شناسایی، تحلیل و ضبط محتوای منابع چاپی و غیر چاپی استفاده می‌شود. در این روش، می‌توان مجموعه‌ای از اسناد یا متون را استخراج، شمارش و طبقه‌بندی کرد (طهماسیان، ۱۳۸۶، ص ۵۵). تحلیل محتوا یکی از روش‌های مهم و پرکاربرد تحقیق است. این روش از آن جهت به دیگر روش‌ها برتری دارد که در آن نیاز به گردآوری اطلاعات نیست، بلکه اطلاعات موجود است و باید تحلیل شود و نتیجه‌گیری لازم به عمل آید (ساروخانی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۲۷۹). لذا بر این اساس، تمامی مقاله‌های منتشر شده در ۲۱ شماره دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی در آموزش عالی، تحلیل محتوا شدند. بدین صورت جامعه تحلیلی پژوهش حاضر را ۱۵۵ مقاله چاپ شده در ۲۱ شماره دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی در آموزش عالی از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۹ تشکیل می‌دهند، لذ در این مطالعه، حجم جامعه با حجم نمونه برابر است.

روش گردآوری داده‌ها بدین گونه بود که با مراجعه به تک تک شماره‌ها و محتویات مقالات، اطلاعات لازم مانند: روش بررسی، گرایش موضوعی، وابستگی سازمانی، و سهم نویسندگان در تالیف مقالات، جمع‌آوری شد. ابزار مورد استفاده در این تحقیق شامل یک چک لیست کدگذاری بود که روایی آن توسط چند تن از اساتید برنامه درسی در زمینه تحلیل محتوا سنجیده شد. برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزار فیش برداری و برای تحلیل داده‌ها از تحلیل محتوای کمی و کیفی استفاده شده است محاسبه و تحلیل داده و استنتاج آماری به کمک نرم افزار Excel انجام شد.

یافته‌ها

۱- ملاحظات روش شناسی پژوهش‌های انجام شده در دو فصلنامه مطالعات برنامه

درسی در آموزش عالی به چه صورت است؟

از رویکردهای مختلف پژوهشی به تناسب در پژوهش‌های حوزه برنامه درسی استفاده می‌شود، در برخی از مقاله‌ها از رویکرد کمی و در برخی دیگر رویکرد کیفی و ترکیبی به کار گرفته می‌شوند. مقاله‌های مورد بررسی در این پژوهش، از نظر رویکرد؛ در سه دسته کمی، کیفی و ترکیبی قرار می‌گیرند؛ که با بررسی مقاله‌های انجام شده حوزه برنامه درسی در دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی در آموزش عالی، روش پژوهش، ابزار جمع‌آوری، شیوه نمونه‌گیری و

^۱ Content analysis

شیوه تجزیه و تحلیل مورد استفاده این پژوهش‌ها مشخص می‌گردد. برای پاسخگویی به سؤال مذکور، تعداد ۱۵۵ مقاله چاپ شده در دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی در آموزش عالی مورد تحلیل قرار گرفت که نتایج آن به صورت جدول ۱ آورده شده است.

جدول شماره ۱. میزان استفاده از روش‌های گوناگون پژوهشی در مقالات دو فصلنامه مطالعات

برنامه درسی در آموزش عالی

دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی در آموزش عالی											رویکرد پژوهشی	
درصد	تعداد	شیوه تجزیه و تحلیل	درصد	تعداد	شیوه نمونه گیری	درصد	تعداد	ابزار جمع آوری	درصد	تعداد	روشهای پژوهشی	کمی
۳ درصد	۶	تک نمونه T ای	۹/۶۷ درصد	۱۵	تصادفی خوشه ای	۹/۶۷ درصد	۱۵	پرسشنامه محقق ساخته	۷/۷۴	۱ ۲	تجربی	
۳/۵۰ درصد	۷	امستقل T	۶/۴۵ درصد	۱۰	نمونه گیری در دسترس	۳/۲۲ درصد	۵	نگرش سنج	۱۹۰ ۱۲	۲ ۰	پیمایش ی	
۲ درصد	۴	مانوا	۳/۸۷ درصد	۶	تصادفی ساده	۶/۴۵ درصد	۱۰	آزمون ها	۳/۸۷	۶	همبستگی ی	
۳ درصد	۶	ویلکاکسون										
۳/۵ درصد	۷	رگرسیون	۵/۱۶ درصد	۸	تصادفی طبقه ای	۳/۸۷ درصد	۶	مصاحبه کمی	۳/۸۷	۶	علی مقایسه ی	
۴/۵ درصد	۹	خی دو										
۴/۵ درصد	۹	همبستگی	۴/۵۱ درصد	۷	تصادفی منظم	۳/۲۲ درصد	۵	پرسشنامه استاندارد	۲/۵۸	۴	ساخت و اعتباریاب ی ابزار	
۴/۵ درصد	۹	فریدمن										
۴ درصد	۸	تحلیل واریانس چند متغیره	۵/۸۰ درصد	۹	گلوله برفی	۲/۵۸ درصد	۴	اسناد و مدارک موجود؛ مشاهده کمی	۳/۸۷	۶	تحلیل محتوا	
۲/۵ درصد	۵	آزمون تعقیبی توکی										
۱۱ درصد	۲۲	مقوله بندی و کد گذاری	۱۴/۱۹ درصد	۲۲	تصادفی هدفمند (نمونه گیری	۲/۵۸	۴	مشاهده کیفی	۷/۷۴	۱ ۲	توصیفی تحلیلی	کیفی

ارزیابی دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی در آموزش عالی...

۱۰ درصد	۲۰	پدیدار شناسی	۵/۸۰ درصد	۹	طبقه بندی با هدف (هدفمند)	۳/۲۲ درصد	۶	چک لیست	۳/۲۲	۵	مطالعه موردی
۴/۵ درصد	۹	تحلیل روایتی	۳/۸۷ درصد	۶	ملاک محور	۶/۴۵ درصد	۱۰	مصاحبه عمیق	۱۹۰/۱۲	۲۰	پدیدار شناسی
۱/۵ درصد	۳	شبه آماری	۹/۰۳ درصد	۱۴	اشباع شده	۱۳/۵۴ درصد	۲۱	مصاحبه نیمه ساختاریافته	۲/۵۸	۴	قوم نگاری
۴ درصد	۸	تحلیل تفسیری	۳/۸۷ درصد	۶	نمونه برابر با جامعه	۱/۲۹ درصد	۲	پرسشنامه باز پاسخ	۱/۲۹	۲	هنجاری
۵ درصد	۱۰	تحلیل مضمونی	۶/۴۵ درصد	۱۰	مبتنی بر نظریه	۶/۴۵ درصد	۱۰	تحلیل مضمون	۶/۴۵	۱۰	داده بنیاد
۲/۵ درصد	۵	تحلیل هرمنوتیک	-	-	-	۷/۷۴	۱۲	اسناد و مدارک	۱/۲۹	۲	تاریخی
۰/۵ درصد	۱	تحلیل محتوا	-	-	-	۱/۲۹	۲	چک لیست	۱/۲۹	۲	تحلیل محتوا
۷ درصد	۱۴	مقوله بندی و کدگذاری	۳/۲۲ درصد	۵	نمونه در دسترس	۳/۲۲ درصد	۵	تشریحی	۳/۸۷	۶	تربیتی
۴ درصد	۸	تحلیل تفسیری									
۴ درصد	۸	کولومورف اسمیرنوف	۵/۱۶ درصد	۸	جامعه همان نمونه	۱۱/۶۱ درصد	۱۸	اکتشافی	۱/۶۱/۱۱	۱/۸	اکتشافی
۴/۵ درصد	۹	توصیفی تحلیلی									
۳/۵ درصد	۷	مستقل و Tزوجی	۱۲/۹۰ درصد	۲۰	درهم تنیده	۱۲/۹۰ درصد	۲۰	درهم تنیده	۱۹۰/۱۲	۲۰	درهم تنیده
۳ درصد	۶	تحلیل محتوا									
۱۰۰ درصد	۲۰۰		۱۰۰	۱۵۵		۱۰۰ درصد	۱۵۵		۱۰۰ درصد	۱۵۵	مجموع

داده‌های به دست آمده از مجله علمی پژوهشی دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی در آموزش عالی نشان می‌دهد، ۳۴/۱۳ درصد از پژوهش‌ها با استفاده از روش‌های پژوهشی کمی (پیمایشی ۱۲/۹۰ درصد؛ تجربی ۷/۷۴ درصد؛ تحلیل محتوا ۳/۸۷؛ همبستگی ۳/۸۷ درصد؛ علی مقایسه‌ای ۳/۸۷ درصد؛ ساخت و اعتبار یابی ابزار ۲/۵۸ درصد)، انجام شده است. همچنین ۳۸/۱۲ درصد از پژوهش‌ها با استفاده از روش‌های کیفی (پدیدارشناسی ۱۲/۹۰ درصد؛ توصیفی تحلیلی ۷/۷۴؛ داده بنیاد، ۶/۴۵؛ مطالعه موردی ۳/۲۲ درصد؛ قوم‌نگاری ۲/۵۸ درصد؛ تاریخی ۱/۲۹ درصد؛ تحلیل محتوا ۱/۲۹؛ هنجاری ۱/۲۹ درصد) و ۲۸/۰۸ درصد با استفاده از روش‌های ترکیبی (درهم‌تنیده ۱۲/۹۰ درصد؛ اکتشافی ۱۱/۶۱ درصد؛ تشریحی ۳/۸۳ درصد) انجام شده است.

در پژوهش‌های کمی و کیفی، ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات با همدیگر متفاوت است. و در پژوهش‌های ترکیبی به تناسب از ابزارهای کمی و کیفی استفاده می‌شود. در این قسمت نتایج به دست آمده از ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات در دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی در آموزش عالی به ترتیب زیر ارائه شده است. بر اساس داده‌های به دست آمده از مجله مذکور، ۲۹/۰۱ درصد از پژوهش‌ها با استفاده از ابزارهای کمی (پرسشنامه محقق ساخته ۹/۶۷ درصد؛ آزمون‌ها ۶/۴۵؛ مشاهده کمی ۳/۸۷ درصد؛ نگرش ساخته ۳/۲۲ درصد؛ مصاحبه کمی ۳/۲۲ درصد؛ پرسشنامه استاندارد ۳/۲۲ درصد، اسناد و مدارک ۲/۵۸ انجام شده است. همچنین ۴۱/۲۷ درصد از پژوهش‌ها با استفاده از ابزارهای کیفی (مصاحبه نیمه ساختاریافته ۱۳/۵۴؛ اسناد و مدارک ۷/۷۴؛ تحلیل مضمون ۶/۴۵؛ چک لیست ۳/۲۲ درصد؛ مصاحبه عمیق ۳/۲۲ درصد؛ پرسشنامه باز پاسخ ۳/۲۲ درصد؛ مشاهده کیفی ۲/۵۸ درصد؛ و ۲۹/۶۳ درصد با استفاده از ابزارهای ترکیبی (درهم‌تنیده ۱۲/۹۰ درصد؛ اکتشافی ۱۱/۶۱ درصد؛ تشریحی ۳/۲۲ درصد) انجام شده است.

در خصوص شیوه‌های نمونه‌گیری به کار گرفته شده در پژوهش‌های برنامه درسی مرتبط با آموزش عالی، بر اساس داده‌های به دست آمده از مجله علمی پژوهشی مطالعات برنامه درسی در آموزش عالی ۳۵/۴۶ درصد از پژوهش‌ها با استفاده از نمونه‌گیری‌های کمی (تصادفی خوشه‌ای ۹/۶۷ درصد؛ نمونه‌گیری در دسترس ۶/۴۵ درصد؛ گلوله برفی ۵/۸۰ درصد، تصادفی طبقه‌ای ۵/۱۶ درصد؛ تصادفی منظم ۴/۵۱ درصد؛ تصادفی ساده ۳/۸۷ درصد؛ انجام شده است. همچنین ۴۳/۲۱ درصد از پژوهش‌ها با استفاده از نمونه‌گیری کیفی (تصادفی هدفمند ۱۴/۱۹ درصد؛ طبقه‌ای هدفمند ۹/۶۷ درصد؛ اشباع شده ۹/۰۳ درصد؛ مبتنی بر نظریه ۶/۴۵ درصد؛ نمونه برابر با جامعه ۳/۸۷ درصد؛ ملاک محور ۳/۸۷ درصد؛ و ۲۱/۳۳ درصد با استفاده از

ارزیابی دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی در آموزش عالی...

نمونه‌گیری‌های ترکیبی (درهم‌تنیده ۱۲/۹۰ درصد؛ جامعه همان نمونه ۵/۱۶ درصد؛ نمونه در دسترس ۳/۲۲ درصد؛) انجام شده است.

در ادامه میزان استفاده از شیوه‌های تحلیل کمی، کیفی و ترکیبی در پژوهش‌های مطالعات برنامه درسی در آموزش عالی به ترتیب ارائه شده است. بر اساس داده‌های به دست آمده از مجله علمی پژوهشی مطالعات برنامه درسی در آموزش عالی، در مجموع از شیوه تحلیل داده‌ها، در ۳۵ درصد از شیوه‌های تحلیل کمی (خی دو ۴/۵، فریدمن ۴/۵؛ همبستگی ۴/۵؛ تحلیل واریانس چند متغیره ۴؛ رگرسیون ۳/۵، تی مستقل ۳/۵، تی تک نمونه ای ۳؛ ویلکاکسون ۳؛ مانوا ۲)، استفاده شده است. همچنین ۳۹ درصد از پژوهش‌ها با استفاده از شیوه‌های تحلیل کیفی (مقوله‌بندی و کدگذاری ۱۱ درصد؛ پدیدارشناسی ۱۰ درصد؛ تحلیل مضمونی ۵؛ تحلیل روایی ۴/۵ درصد؛ تحلیل تفسیری ۴ درصد؛ تحلیل هرمنوتیک ۲/۵ درصد؛ شبه آماری ۱/۵ درصد؛ تحلیل محتوا ۵/۵ درصد) و ۲۶ درصد با استفاده از شیوه‌هایی تحلیل ترکیبی (مقوله‌بندی و کدگذاری ۷ درصد؛ توصیفی تحلیلی ۴/۵ درصد؛ کولوموگروف اسمیرنوف ۴؛ تحلیل تفسیری ۴ درصد؛ تی مستقل و زوجی ۳/۵ درصد؛ تحلیل محتوا ۳ درصد؛ انجام شده است.

۲- توزیع موضوعی مقاله‌های انجام شده در دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی در آموزش عالی به چه صورت است؟

در مجلات علمی پژوهشی متناسب با عناوین آنها، موضوعاتی طرح و به عنوان اولویت‌های موضوعی برای انجام پژوهش و نگارش مقاله در ابتدای مجلات ذکر می‌گردد. با این توضیح در این بخش از یافته‌ها، به مقاله‌های انجام شده از لحاظ موضوعی متناسب با اولویت‌های نشریه، تعداد و درصد آن‌ها در مدت زمان فعالیت دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی در آموزش عالی پرداخته می‌شود.

جدول شماره ۲: مقاله‌های انجام شده از لحاظ موضوعی، تعداد و درصد آن‌ها

موضوع	تعداد مقالات	درصد
آموزش، تدریس و یادگیری در آموزش عالی	۳۰	۱۹ / ۳۵
فناوری اطلاعات در آموزش عالی، یادگیری الکترونیکی	۱۴	۹ / ۳۲
برنامه درسی پنهان	۱۱	۷ / ۹۶
اصلاح، بازنگری و تغییر برنامه‌های درسی آموزش عالی	۱۰	۶ / ۴۵
رویکرد بین رشته‌ای در آموزش عالی	۸	۵ / ۱۶

۵/۱۶	۸	برنامه درسی آموزش ریاضی
۵/۱۶	۸	طراحی برنامه درسی در آموزش عالی
۵/۱۶	۸	برنامه درسی تربیت معلم (تدریس، ضمن خدمت، کارورزی)
۴/۵۱	۷	ارزشیابی برنامه های درسی و ارزیابی کیفیت آنها
۴/۵۱	۷	اشتغال و کارآفرینی
۳/۸۷	۶	فرهنگ و برنامه درسی
۲/۵۸	۴	برنامه درسی قصد شده ، برنامه درسی اجراشده برنامه درسی زیرزمینی در آموزش عالی
۲/۵۸	۴	جهانی شدن و برنامه درسی آموزش عالی
۱/۹۳	۳	انعکاس تجربیات جهانی در حوزه برنامه درسی (دبسیپلین های علمی، نومفهوم گرایی شواب)
۱/۹۳	۳	برنامه درسی جامعه محور
۱/۲۹	۲	برنامه درسی و مهارت های زندگی
۱/۲۹	۲	آینده پژوهی در برنامه درسی آموزش عالی
۱/۲۹	۲	برنامه درسی آموزش هنر و زیبایی شناسی
۱/۲۹	۲	برنامه درسی و مهارت های زندگی
۱/۲۹	۲	آموزش مسولیت پذیری
۱/۲۹	۲	مبانی برنامه درسی
۱/۲۹	۲	برنامه درسی سازنده گرا
۱/۲۹	۲	پژوهش
۱/۲۹	۲	اخلاق
۱/۶۴	۱	تفکر انتقادی
۱/۶۴	۱	شهروندی
۱/۶۴	۱	معنویت
۱/۶۴	۱	برنامه درسی آموزش زبان انگلیسی
۱۰۰ درصد	۱۵۵	جمع

به طوری که جدول شماره ۲ نشان می دهد، موضوع های پژوهشی که در پژوهش های برنامه درسی در مطالعات برنامه درسی در آموزش عالی بیش از دیگر موضوعات مورد توجه نویسندگان مقالات بوده و از فراوانی بیشتری برخوردار هستند، عبارتند از: آموزش، تدریس و یادگیری در آموزش عالی ۱۹/۳۵ درصد، برنامه درسی فناوری در آموزش عالی ۹/۳۲ درصد،

ارزیابی دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی در آموزش عالی...

برنامه درسی پنهان ۷/۹۶؛ همچنین بر اساس جدول شماره ۲ موضوع های پژوهشی مانند: تفکر انتقادی ۰/۶۴ درصد، تربیت شهروندی ۰/۶۴ درصد، از کمترین فراوانی برخوردار بودند.

۳- توزیع فراوانی وابستگی سازمانی نگارندگان^۱ مقاله های انجام شده در دو

مطالعات برنامه درسی در آموزش عالی به چه صورت است؟

دانشگاه ها و موسسات علمی پژوهشی متناسب با رشته های تحصیلی موجود به چاپ و انتشار مقالات در مجلات علمی پژوهشی اقدام می کنند یعنی تعداد مقاله های چاپ شده در مجلات علمی پژوهشی ارتباط معناداری با دانشگاه صاحب امتیاز مجله و متناسب بودن عنوان مجله با مقاله های چاپ شده دارد. با توجه به اینکه دو فصلنامه مذکور متعلق به انجمن مطالعات برنامه درسی ایران می باشد و ارتباط با دانشگاه خاصی ندارد این ذهنیت بر طرف می گردد. به هر حال در جدول ذیل سهم موسسات آموزشی و دانشگاه ها در چاپ مقالات منشره شده در ده سال اخیر ذکر گردیده است.

جدول شماره ۳: سهم موسسات آموزشی و دانشگاه ها در چاپ مقالات منشره شده

نام موسسه	فراوانی
دانشگاه تهران	۵۳
دانشگاه آزاد اسلامی	۴۹
دانشگاه شهید بهشتی	۴۶
دانشگاه اصفهان	۳۵
دانشگاه فردوسی مشهد	۲۸
دانشگاه علامه طباطبایی	۲۰
دانشگاه مازندران (بابلسر)	۱۸
دانشگاه فرهنگیان	۱۸
دانشگاه پیام نور	۱۶
دانشگاه تربیت مدرس	۱۱
دانشگاه بوعلی همدان	۸
دانشگاه کاشان	۷
دانشگاه بیرجند	۶
دانشگاه چمران اهواز	۵
دانشگاه شاهد	۵
دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی	۵

فرآوانی	نام موسسه
۴	دانشگاه تبریز
۳	دانشگاه اردبیل
۳	دانشگاه کردستان
۳	دانشگاه ارومیه
۳	دانشگاه مدنی آذربایجان
۲	دانشگاه مک کواری استرالیا
۲	دانشگاه یاسوج
۲	دانشگاه علوم پزشکی
۲	دانشگاه امین
۱	دانشگاه کلمبیا
۱	پژوهشگاه علوم انسانی
۱	دانشگاه اراک
۱	دانشگاه یزد
۱	دانشگاه سبزوار
۱	دانشگاه باهنر
۱	سازمان سنجش
۱	دانشگاه شریف
۳۷۹	جمع

همانطور که داده های جدول نشان می دهد، دانشگاه تهران با ۵۳ نویسنده بیشترین فراوانی را در بین دانشگاه ها و موسسات آموزشی و پژوهشی به خود اختصاص داده است. پس از آن دانشگاه آزاد اسلامی با ۴۹ نویسنده و دانشگاه شهید بهشتی با ۴۶ نویسنده بیشترین فراوانی را دارا هستند. دانشگاه اصفهان با ۳۵ نویسنده و دانشگاه فردوسی مشهد با ۲۸ نویسنده در مرتبه بعدی هستند. داده های جدول نشان می دهد که همه نویسندگان مقالات از مراکز علمی معتبر کشور هستند و این نکته قابل ملاحظه است.

۴- توزیع فراوانی میزان همکاری علمی نگارندگان مقاله های انجام شده در دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی در آموزش عالی به چه صورت است؟

مشارکت در تدوین و نگارش مقالات علمی پژوهشی یکی از مباحثی است که همواره در ارتباط با مقالات مورد توجه است، به نحوی که بر اساس میزان فعالیت تالیف کنندگان مقالات،

ارزیابی دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی در آموزش عالی...

اسامی آنها به ترتیب در نگارش مقالات ذکر می گردد. بر این اساس پرسش حاضر به تعیین میزان همکاری علمی در تولید مقالات اختصاص یافته است. داده های جدول شماره ۵ نشان دهنده توزیع فراوانی تعداد نویسندگان مقالات است.

جدول ۴: توزیع فراوانی میزان همکاری علمی نویسندگان مقالات علمی بر حسب تعداد نویسندگان

تعداد نویسندگان	فراوانی	درصد فراوانی
۲ نویسنده	۴۷	۳۰/۳۲
۳ نویسنده	۴۴	۲۸/۳۷
۴ نویسنده	۲۹	۱۸/۷۰
۱ نویسنده	۲۵	۱۶/۱۲
۵ نویسنده و بیشتر	۱۰	۶/۴۵
مجموع	۱۵۵	۱۰۰ درصد

همانطور که از جدول فوق مشخص است، مقالات دو نویسنده ای با ۳۳/۸۷ درصد بیشترین فراوانی را دارند و پس از آن مقالات سه نویسنده ای با ۲۹/۰۹ درصد، مقالات ۲ نویسنده ای با ۱۹/۳۵ درصد، مقالات ۴ نویسنده ای با ۱۲/۹۰ درصد و مقالات ۵ نویسنده ای و بیشتر با ۴/۸۳ درصد در مراتب بعدی قرار دارند.

بحث و نتیجه گیری

نتایج این بررسی نشان داد که برنامه درسی به عنوان یک حوزه مهم در نظام آموزشی و همچنین هسته مرکزی برنامه های آموزشی دانشگاهها در تمام رشته ها پژوهش های بسیاری را به خود اختصاص داده است و قلمرو موضوعی آن نیز به طور مداوم بسط یافته است. در خصوص سوال اول پژوهش، نشانگرهای مربوط به رویکردهای پژوهش نشان می دهد که در مقالات دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی در آموزش عالی، از نشانگرهای رویکرد کمی (روش های پژوهش ۳۴/۱۳ درصد؛ ابزارهای جمع آوری اطلاعات ۲۹/۰۱ درصد؛ شیوه های نمونه گیری ۳۵/۴۶ درصد و شیوه های تحلیل داده ها ۳۵ درصد) استفاده شده است. همچنین بر اساس داده های به دست آمده از دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی در آموزش عالی، ۳۲/۷۰ درصد از پژوهش ها با استفاده از رویکردهای پژوهش کمی انجام شده است. همچنان که از یافته ها مشخص است روش پیمایشی با ۱۲/۹۰ درصد بیش از سایر روش های کمی به کار گرفته شده است. همچنین ۴۰/۲۰ درصد از پژوهش ها با استفاده از رویکردهای کیفی انجام شده است که روش پدیدارشناسی با ۱۲/۹۰ درصد؛ بیش از سایر روش های کیفی به کار گرفته شده است؛ و ۲۳/۱۰ درصد با استفاده از

رویکردهای ترکیبی انجام شده است؛ که در بین روش‌های ترکیبی روش درهم تنیده با ۱۲/۹۰ درصد بیشتر به کار گرفته شده است. این بخش از یافته‌های پژوهش با پژوهش‌های شعبانی ورکی (۱۳۸۷)، سلسیلی و حسینی (۱۳۸۴)، رحمان پور و نصر (۱۳۹۲) ناهمسو می‌باشد. آن‌ها نیز در پژوهش‌های خود به این نتیجه دست یافته بودند که رویکرد پژوهش کمی، رویکرد غالب است و بیشترین پژوهش‌ها را به خود اختصاص داده بود. در تبیین این یافته می‌توان بیان داشت که تسلط روش کیفی در دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی در آموزش عالی به احتمال زیاد ناشی از توجه هیات تحریریه به پژوهش‌های کیفی و فاصله گرفتن پژوهشگران از رویکرد سنتی و دیرینه کمی می‌باشد. همچنین تاکید بر انجام پژوهش‌های کیفی در کلاس‌های درس روش تحقیق در مقطع ارشد و دکتری و کارگاه‌های مقاله نویسی و به تبع آن آشنا شدن پژوهشگران با روش‌های کیفی و بسنده نکردن اساتید به استفاده کردن دانشجویان از روش کمی در پژوهش‌ها و پایان نامه‌های دانشجویی و البته نگرش محققان جدید نسبت به این دیدگاه که کیفی سازی و تحلیل کیفی همواره جواب‌های عمیق تر و معناداری به دست می‌دهند، پژوهشگران را مجاب ساخته است که در پژوهش‌های خویش به رویکرد کیفی گرایش پیدا کنند. به هر حال توجه بیشتر به استفاده از روش‌های کیفی در تحقیقات حوزه مطالعات برنامه درسی سبب کسب نتیجه‌های بهتر و مناسب تری خواهد شد. با این وجود رویکرد کمی و ترکیبی نیز کم و بیش مورد استفاده محققان برنامه درسی بوده است. نقطه قابل تأمل افزایش مقاله‌های با رویکرد کیفی و ترکیبی در سال‌های اخیر است که نشان می‌دهد جهت‌گیری نشریه به سمت پژوهش‌های کیفی و ترکیبی است.

به طور کلی با چنین روندی که تحقیقات منتشر شده در دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی در آموزش عالی دارند، امید است که شاهد تحقیقات کیفی و ترکیبی بیشتری در حوزه برنامه درسی آموزش عالی باشیم. هر چند که انجام پژوهش با رویکرد کمی نیز یک ضرورت اجتناب ناپذیر است، اما ماهیت برنامه درسی با پژوهش‌های کیفی سازگاری بیشتری دارد و رسیدن به اجماع در این حوزه را تسهیل تر می‌سازد؛ چرا که رسالت برنامه درسی ایجاب میکند که افراد بیشتری در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی این حوزه دخیل باشند. لذا در این راستا پیشنهاد می‌شود از آنجایی که تسلط رویکرد کیفی و ترکیبی در حوزه برنامه درسی به خاطر محوریت داشتن برنامه درسی در هر رشته و ماهیت میان رشته‌ای آن مشهود است. دست اندرکاران نشریه برای پژوهش‌های کیفی و کیفیت برنامه‌های درسی و بهبود مستمر آن با عنایت به اجماع حداکثری که در رویکرد کیفی حاکم است اهمیت بیشتری قائل شوند.

ارزیابی دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی در آموزش عالی...

بررسی سوال دوم پژوهشی حاکی از آن است که موضوع های پژوهشی که در دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی در آموزش عالی از فراوانی بیشتری برخوردار هستند، عبارت بودند از: موضوع های پژوهشی مرتبط با رویکردهای آموزش، تدریس و یادگیری در آموزش عالی با ۱۹/۳۵، برنامه درسی آموزش فناوری با ۹/۳۲ درصد، برنامه درسی پنهان با ۷/۹۶ درصد بیشتر مورد توجه نویسندگان مقالات بوده و از فراوانی بیشتری برخوردار هستند، همچنین از بین مقالات چاپ شده در دو فصلنامه، موضوع های پژوهشی مانند: تفکر انتقادی با ۶۴ درصد، تربیت شهروندی با ۶۴ درصد، از کمترین فراوانی برخوردار بودند. در تبیین این یافته می توان گفت که هر چند به موضوعات در راستای مطالعات برنامه درسی پرداخته شده است اما به پژوهش های با موضوع های سنتی بیشتر پرداخته شده و بر ((برنامه ریزی درسی)) تاکید داشته تا ((فهم یا مطالعات برنامه درسی)) و به تعبیر مهر محمدی (۱۳۸۷) این نوع نگاه به موضوع های پژوهشی را می توان هویت حداقلی برای رشته دانست تا هویت حداکثری.

در این راستا، پیشنهاد می شود مسئولان نشریه بر اساس نیاز روز، پیش از انتشار هر شماره، موضوعی را برای شماره های بعدی انتخاب کنند و بر اساس موضوعات روز به چاپ مقاله بپردازند. بر این اساس دو فصلنامه مذکور، بایستی از موضوع های سنتی با برداشت ((برنامه ریزی درسی)) فاصله گیرد و در شرایط مطلوب به موضوع هایی همچون اعتبار بخشی برنامه های درسی، آینده پژوهی در برنامه درسی آموزش عالی، برنامه درسی آموزش عالی و شرایط پست مدرن، دین باوری و زیبا شناسی در برنامه درسی، برنامه درسی معنوی، برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان، نیاز سنجی در برنامه درسی آموزش عالی، تربیت شهروندی، برنامه درسی مربوط به محیط زیست، برنامه درسی مربوط به مهارت های زندگی، پژوهش برنامه درسی، برنامه درسی و نومفهوم گرایی و.. توجه بیشتری گردد. به هر حال، اشاعه و گسترش دانش برنامه درسی؛ کمک به تولید دانش بومی در حوزه برنامه درسی؛ ترغیب نواندیشی در عرصه نظر و نوآوری در عرصه عمل برنامه ریزی درسی؛ اشاعه رویکرد تلفیقی در طراحی و تولید برنامه های درسی؛ انعکاس تجربیات جهانی و بین المللی در حوزه برنامه درسی؛ آینده پژوهی در نظام برنامه ریزی درسی دانشگاه ها؛ نقد و ارزیابی سیاست های برنامه ریزی درسی در کشور؛ نقد و ارزیابی تحولات برنامه درسی در عرصه اجرا؛ نیازمند انجام پژوهش های کاربردی است که امید است دو فصلنامه در آینده به این مباحث توجه بیشتری داشته باشد. در مجموع باید گفت موضوع های پژوهشی در حوزه برنامه درسی بایستی متناسب با تغییرات و تحولات بوجود آمده در حوزه مفاهیم برنامه درسی و برداشت های جدید در این حوزه انتخاب شوند.

در خصوص سوال سوم، نتایج پژوهش نشان می دهد که دانشگاه تهران با ۵۳ نویسنده بیشترین فراوانی را در بین دیگر وابستگی های سازمانی به خود اختصاص داده است. پس از آن

دانشگاه آزاد اسلامی با ۴۹ نویسنده و دانشگاه بهشتی با ۴۶ نویسنده بیشترین فراوانی را دارا هستند. دانشگاه اصفهان با ۳۸ نویسنده و دانشگاه فردوسی مشهد با ۳۵ نویسنده در مرتبه بعدی هستند. داده های به دست آمده نشان می دهد که همه نویسندگان مقالات از مراکز علمی معتبر کشور هستند و این نکته قابل ملاحظه است. هر چند که تعداد نویسندگان متعلق به دانشگاه تهران نسبت به سایر دانشگاه ها و موسسات بیشتر است اما پیشنهاد می شود که ترتیبی اتخاذ گردد که مشارکت سایر دانشگاه ها بخصوص مراکز استان ها هم در این بین بیشتر شود. هر چند که بعضا به اقتضای دانشگاه یا موسسه صاحب امتیاز مجله، معمولا سهم بیشتری به آنها تعلق می گیرد اما بهتر است در این میان فارغ از نام موسسه یا دانشگاه صاحب امتیاز مجله، مقالاتی که کیفی تر به نظر می رسند و می توانند در حوزه برنامه درسی کار گشا باشند و دانش جدیدی را به حوزه مطالعات برنامه درسی اضافه کنند، توجه ویژه تری صورت گیرد.

در خصوص سوال چهارم پژوهش، همانطور که از نتایج مشخص است، مقالات دو نویسنده ای با ۳۰/۳۲ درصد بیشترین فراوانی را دارند و پس از آن مقالات سه نویسنده ای با ۲۸/۳۷ درصد، مقالات ۴ نویسنده ای با ۱۸/۷۰ درصد؛ مقالات ۱ نویسنده ای با ۱۶/۱۲ درصد، و مقالات ۵ نویسنده ای و بیشتر با ۶/۴۵ درصد در مراتب بعدی قرار دارند. این نکته می تواند تمایل نویسندگان به انجام کار گروهی را نشان دهد و در عین حال می توان گفت انجام فعالیت های پژوهشی مشترک منجر به افزایش کیفیت مقالات می شود. بنابراین، با توجه به روند رو به رشد پژوهش های گروهی در دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی در آموزش عالی، مقالات این مجله از نظر کیفی به وضعیت مطلوبی رسیده است. بررسی میزان مشارکت نویسندگان نشان دهنده این است که بیشترین اولویت با مقاله های دو نویسنده ای و سه نویسنده ای بوده است. لذا با توجه به اهمیت شاخص کار گروهی و تاکید بر مشارکت علمی در تدوین مقالات، پیشنهاد می شود نگارش مقالات چند نویسنده ای بیشتر تشویق شده و در این مورد فرهنگ سازی جدی تری صورت گیرد. چرا که در فضای علمی، هر چه تعداد نویسندگان بیشتر باشد، بدین معنی است که نظرات بیشتر و با تنوع گسترده تری در آن مقاله اعمال شده است. لذا گسترش این فرهنگ با روش های مختلف پیشنهاد می شود. به هر حال توجه به آثار چند نویسنده ای افزون بر تقویت روحیه فعالیت گروهی، اتقان عملی اثر را نیز تضمین می کند. از این رو، لازم است مسئولان نشریه در پذیرش مقاله ها این مهم را مد نظر قرار دهند. هر چند افزایش تعداد پژوهش های گروهی در سال های اخیر حاکی از روی آوردن محققان این حوزه به انجام فعالیت های گروهی است.

منابع

- ابراهیمی میلاجردی، زینب؛ ریاحی نیا، نصرت(۱۳۹۳). «مطالعه کمی و کیفی مقالات فصلنامه تحقیقات اطلاع رسانی و کتابخانه های عمومی از سال ۱۳۸۷-۱۳۹۱»، تحقیقات اطلاع رسانی و کتابخانه های عمومی، ۲۰(۳)، ص ۴۲۳-۴۴۵.
- ادیب منش، مرزبان؛ نصر اصفهانی، احمدرضا(۱۳۹۵). ملاحظات روش شناختی پژوهش در حیطه برنامه درسی در ایران و آمریکا، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، ۱۰(۴۰)، صص ۱۲۱-۹۵.
- رضایت، غلامحسین،(۱۳۹۴). «تحلیل محتوایی و استنادی مقالات فصلنامه تحقیقات زنان»، تحقیقات زنان، ۱(۱۵)، ۹۹-۱۱۱.
- رحمان پور، محمد؛ نصر اصفهانی، احمدرضا (۱۳۹۲). روش شناسی پژوهش های داخلی و خارجی مربوط به حوزه برنامه درسی در آموزش عالی، دو فصلنامه نظریه و عمل در برنامه درسی، ۱(۲)، صص ۱۴۸-۱۲۵.
- ساروخانی، باقر(۱۳۸۹). روش های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سلسبیلی، نادر؛ حسینی، سیدحسین(۱۳۸۴). بررسی نقادانه روش شناسی پژوهش برنامه درسی در ایران، در کتاب قلمرو برنامه درسی در ایران، تهران: سمت.
- علیپور، شیوا؛ بابایی، محمد مهدی؛ عباسی، محمد؛ داودی، حسین(۱۳۹۷). تحلیل محتوایی و استنادی مقالات فصلنامه روانشناسی تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی، فصلنامه روان شناسی تربیتی، ۱۴(۴۹)، صص، ۱۱۷-۸۵.
- شعبانی ورکی، بختیار(۱۳۸۷). نقد روش شناسی تحقیقات تربیتی در ایران، فصلنامه تعلیم و تربیت، ۸۵، صص ۴۲-۱۱.
- طهماسیان، نگین(۱۳۸۶). تحلیل محتوای کتاب های قصه و داستان کودکان گروه سنی «ب» و «ج» منتشر شده سال های ۱۳۸۰-۱۳۸۵ از نظر تأثیر آنها بر درمان ترس و اضطراب و افسردگی کودکان، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- محمدی فر، غلامرضا(۱۳۸۷). «نگاهی به کاربردهای روش تحلیل محتوا»، پیام پژوهش، ۸ (۸۸)، صص ۲۶-۳۱.
- سراجی، فرهاد؛ آرمند، محمد(۱۳۸۹). بررسی وضعیت پژوهش های انجام شده در حوزه برنامه ریزی درسی در ایران: شناسایی فاصله بین وضع موجود و مطلوب، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، ۱۴(۱۶)، صص، ۳۵-۱۵.

- کرپیندورف، کلوس (۱۳۹۰). *تحلیل محتوا؛ مبانی روش‌شناسی*، ترجمه: هوشنگ نایی (چاپ پنجم)، تهران: نشر نی.

نصراللهی نیا، فاطمه؛ ورداسبی، فاطمه؛ شاهوری، راضیه، فتاحی، مهین (۱۳۹۷). *تحلیل محتوای نظاممند پژوهش‌های حوزه آموزش عالی ایران، نامه آموزش عالی*، ۱۲ (۴۷)، صص. ۱۵۷-۱۲۷.

- Anderson, T, & Shattuk, J(2012). *Design- Based research: a decade of progress in education research?*, Educational Research, 41(1): 16-25.

- Johnson, S. D & Daugherty, J(2008). Quality and Characteristics of recent research in technology education, *Journal of Technology Education*, 20 (1): 16-31.

- Nudzor, H. P(2009). A critical commentary on combined methods approach to researching educational and social issues. *Issues in educational research*, 10(2).

- Wiles, R, Crow, G, & Pain, H(2011). Innovation in qualitative research methods: a narrative review, *Qualitative Research*, 11(5): 587-604.

-Jawaid, S.A (2007). Importance of self audit by a journal to measure quality improvement and planning for future, *professional medical publications*, Vol 23, Pp 4-8.